

به نام خدا

مبانی جرایم ادبی در حقوق کیفری ایران

مولفان

مهدی اشجعی خامنه

دکتر رضا فانی

انتشارات گیوا

سرشناسه :	اشجعی خامنه، مهدی، ۱۳۵۰ -
عنوان قراردادی :	ایران، قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور :	مبانی جرایم ادبی در حقوق کیفری ایران / مولفان مهدی اشجعی خامنه، رضا فانی.
مشخصات نشر :	تهران: گیوا، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری :	۱۱۲ ص.
شابک :	978-600-451-212-1
وضعیت فهرست نویسی :	فیا
موضوع :	قانون مطبوعات — ایران — مقررات کیفری
موضوع :	provisions Press law -- Iran -- Criminal
موضوع :	حقوق جزا — ایران
موضوع :	Criminal law -- Iran
موضوع :	رسانه‌های گروهی و عدالت کیفری
موضوع :	Mass media and criminal justice
شناسه رده :	ی. رضا، ۱۳۵۷ -
رده بندی کنگره :	۹۶ / الف ۳۰۰ / KMH۲۵۰۰
رده بندی دیویی :	۵۰۰ / ۹۹ / ۲۴
شماره کتابشناسی ملی :	۴۱۰۳۱۲۰

عنوان کتاب :	مبانی جرایم ادبی در حقوق کیفری ایران
تالیف و گردآوری :	مهدی اشجعی خامنه / رضا فانی
ناشر :	انتشارات گیوا
همکار ناشر :	باشگاه پژوهش‌های علمی ساداکو
مدیر اجرایی :	روح‌الله تقی‌نژاد
ناظر فنی :	سیده محبوبه حسینی
طراح جلد و صفحه‌آرا :	آدینه کبرایی
سال و نوبت چاپ :	۱۳۹۶ / اول
شمارگان :	۱۰۰۰
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۴۵۱-۲۱۲-۱
قیمت :	۱۰۰,۰۰۰ ریال
تلفن :	۰۲۱-۶۶۱۲۳۸۸۰
تارنما :	www.sadako.ir www.givabook.ir

فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
------------	---

فصل اول :

کلیات و مفاهیم

تحولات تاریخی جرم انگاری حقوق جزا.....	۱۵
سرجشمه مبانی در جرم انگاری کلیه جرایم در نظام حقوق اسلامی.....	۱۸
مبانی و اصول حاکم بر مقررات جزایی اسلام.....	۲۲
مفهوم کرامت انسانی.....	۲۵
تعریف کرامت انسانی.....	۲۵
کرامت انسانی از منظر فقه آن کریم.....	۲۶
تعریف جرم.....	۲۶
تعریف لغوی.....	۲۷
تعریف اصطلاحی.....	۲۸
انواع جرم به لحاظ کیفیت.....	۳۰
تقسیم بندی جرم به لحاظ ماهیت.....	۳۱
ماهیت جرم در فقه اسلامی و رابطه آن با گناه.....	۳۲
مفاهیم مختلف (اخلاقی، دینی) جرم.....	۳۳
برخی از مصادیق جرم از نظر سنت.....	۳۷
انواع جرایم و جنایات و انواع کیفرها از نظر فقها.....	۳۹
بررسی نظر دانشمندان حقوق جزای عرفی در مورد جرم.....	۴۰
اصطلاحات عام و خاص در مورد جرم و گناه.....	۴۱
مشخصات تعریف قانونی جرم.....	۴۲
فرق بین جرم کیفری (جزایی) با جرم مدنی.....	۴۳
تفاوت تعریف قانونی جرم و تعریف فقهی آن.....	۴۴
فرق بین جرم جزایی و تخلف انتظامی.....	۴۵
مبانی و تعریف آن.....	۴۶
در مباحث ذیل به تعاریف لغوی و اصطلاحی مبانی پرداخته میشود.....	۴۶
تعریف لغوی مبانی.....	۴۶
تعریف اصطلاحی مبانی.....	۴۶
جرم انگاری با در نظر داشتن مبانی.....	۴۶

جرایم ادبی و تعریف آن	۵۱
حقوق کیفری و مفهوم آن	۵۱
مصادیق های جرایم ادبی	۵۱
بررسی عناصر سرقت ادبی و تحلیل مبانی جرم انگاری آن	۵۳
نشر یا پخش یا عرضه آثار دیگری	۵۴
جرم نشر، پخش و عرضه کتب و نشریات و آثار صوتی	۵۵
جرم چاپ و پخش و نشر ترجمه دیگری	۵۶
جرم نشر، پخش و عرضه آثار سمعی، بصری	۵۷
اقتباس غیر قانونی و ضمانت اجرای کیفری آن	۵۸
جرم تغییر یا تحریف آثار ادبی	۵۸
هجو و ضمانت اجرای کیفری آن	۵۹
بررسی و تحلیل افشای اسرار	۵۹
قانون کیبی رایت	۶۲
قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (ق.ح.ح.م.ه)	۶۳
بررسی و تحلیل جلوگیری از وقوع سرقت ادبی با نگاه به قانون حمایت (ق.ح.ح.م.ه)	۶۳
افتراء و نشر اکاذیب	۶۵
بررسی عناصر جرم افتراء و تحلیل مبانی و جرم انگاری آن	۶۷
بررسی عناصر جرم نشر اکاذیب و تحلیل مبانی و جرم انگاری آن	۶۹
مالکیت معنوی و اهمیت جرم انگاری در مورد آن	۷۰
نظام حق مالکیت مؤلف مصداق بارز جرایم ادبی و تعرض به آن مصداق	۷۱
شرایط برخورداری آثار از حمایت قانون حقوق مؤلف (ق.ح.ح.م.ه)	۷۲
اختراع و ضوابط تحقق آن	۷۲
تعرض به اختراع مصداق جرایم ادبی	۷۵
جرایم مطبوعاتی	۷۷
ویژگی های جرایم مطبوعاتی	۷۸
جرایم مربوط به حقوق پدید آورندگان نرم افزارهای رایانه ای	۷۹

فصل دوم:

راهکارهای ایجاد تناسب بین مبانی جرایم ادبی و مجازات آن

تناسب جرایم ادبی و مجازاتهای آن	۸۵
ضرورت رعایت اصل تناسب بین جرایم ادبی و مجازاتهای آن	۸۵
راهکارهای ایجاد تناسب مابین جرایم ادبی و مجازات آن	۸۶

۸۷.....	طبقه بندی جرایم ادبی و مصداق‌های آن از نظر شدت.....
۸۸.....	طبقه بندی مجازات جرایم ادبی.....
۸۹.....	انواع طبقه بندی.....
۹۰.....	ارزیابی شدت مجازات‌ها.....
۹۰.....	ایجاد ارتباط منطقی بین هر مصداق جرایم ادبی و مجازات آن با توجه به شدت آنان.....
۹۰.....	تناسب جرایم ادبی و مجازات آن در مرحله قانونگذاری.....
۹۱.....	تناسب جرایم ادبی و مجازات آن در مرحله قضایی و اجرایی.....
۹۱.....	ظرفیت‌ها و ابزارهای قانونی در ایجاد تناسب میان جرایم ادبی و مجازات آنان.....
۹۱.....	تخفیف مجازات.....
۹۳.....	تشدید مجازات.....
۹۳.....	قاضی و ظرفیت‌ها و ابزارهای قانونی وی در ایجاد تناسب بین جرایم ادبی و مجازات آنان.....
۹۴.....	اعاده دادرسی.....
۹۵.....	بررسی مصادیقی از عدم تناسب میان جرایم ادبی و مجازات آن.....
۹۶.....	مسئولیت کیفری مرتکبین جرایم ادبی و اهمیت و ضرورت توجه به مجازات این جرایم.....
۹۸.....	مسئولیت کیفری مرتکبین جرایم ادبی و تحلیل و بررسی آن.....
۱۰۲.....	نتیجه گیری و پیشنهادات.....
۱۰۲.....	نتیجه گیری.....
۱۰۳.....	پیشنهادهات.....
۱۰۵.....	منابع و مأخذ.....
۱۰۵.....	منابع فارسی.....
۱۰۸.....	ج : سایت‌های اینترنتی.....
۱۰۹.....	د : پایان نامه‌ها و جزوه‌های آموزشی.....
۱۱۰.....	منابع لاتین.....

علم حقوق یکی از علوم مربوط به نحوه‌ی بهتر زندگی کردن افراد در جامعه بوده و حقوق جزا و جرم‌شناسی یکی از شاخه‌های علم حقوق و از علومی است که ارتباط مستقیم با امنیت افراد در زندگی داشته و باعث جلوگیری از جرم و انجام دادن گناه از سوی افراد در جامعه است. از زمانی که انسان پا به عرصه هستی نهاد، برای رفع نیازهای خود به ناچار وارد روابط اجتماعی شد. «جرم هم یک پدیده اجتماعی و اغلب محصول روابط پیچیده است. با تشکیل هر جامعه‌ای روابطی بین افراد ایجاد می‌شود که ناشی از نیازهای طبیعی و احتیاجات اجتماعی بر مبنای در کنار هم زیستن و با هم زیستن است. این روابط را داده‌های مختلف اخلاقی، روانی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی شکل می‌دهند»^۱ موجب آن می‌گردند تا افراد جامعه با یکدیگر به نحو چشمگیری مرتبط شده، علاقه‌ها یا کینه‌های اجتماعی بر مبنای این ارتباطات ایجاد شوند و قرار گیرند. جامعه در این استقرار و شکل‌گیری به ناچار به نظامی، از سویی طبیعی، و از سوی دیگر قراردادی که از سنت‌ها، آداب و رسوم، ملیت و مذهب ریشه می‌گیرد، روی می‌آورد. به این معنا که جرم و انحراف در نخستین دوره از تاریخ تحولات اندیشه‌های اجتماعی بشری یک (امر مرموز و غیبی) تلقی می‌گردیده است. در جوامع ابتدایی و ماقبل تاریخ، زراف بر مبنای حلول ارواح خبیثه^۲ و نفوذ قوای شیطانی در جسم و روح انسان بزه‌کارتفسیر و توجیه می‌شد. در این عصر که به عصر (ربانیت) همان بت‌پرستی، شرک و یکتاپرستی معروف است، همان گونه که آگوست کنت، جامعه‌شناس معروف فرانسوی، در قانون حالات سه‌گانه^۳ خود به آن اشاره می‌کند، «جرم و جنایت تظاهر یک عمل کاملاً شیطانی محسوب می‌شود. در این دوران هدف اصلی از اعمال مجازات، پاکسازی بدن گناهکار از ارواح خبیثه و شیطانی و بازسازی و اصلاح رابطه‌ی از هم گسسته‌ی جامعه با خداوند بود. این دوره یک دوره‌ی کاملاً غیر علمی در تاریخ تحول اندیشه‌های بشر نسبت به جرم و انحراف به حساب می‌آید. در دوره‌ی دوم که به عصر عقلانیت و روشنگری و جرم‌انگاری انحراف معروف است، یک انقلاب عظیم فکری در نگرش‌ها و رویکردهای اجتماعی نسبت به جرم و مجرم به وجود می‌آید.

^۱ - Evil-spirits

^۲ - حالات یا مراحل سه‌گانه - مرحله اول: ربانیت (خداشناسی، الهیات) مرحله دوم: ماوراء الطبیعه (فلسفی) مرحله سوم: تحقیق و صنعتی -

است. (کی. نیا، ۱۳۷۶: ۱۰) پاورقی

بنیانگذاران اصلی این انقلاب فکری، که دو نفر از فیلسوفان و اندیشمندان معروف قرن هیجدهم میلادی یعنی سزار بکاریای ایتالیایی و جرمی بنتام انگلیسی بودند. آن‌ها معتقد بودند که انسان‌ها موجوداتی معقول و منطقی و لذت‌گرا^۱ و دارای آزادی اراده هستند و رفتار مجرمانه‌ی آنان هم، رفتاری منطقی و انتخابی است. بنابراین از طریق تهدید کیفری بالقوه و یا بالفعل می‌توان آنان را از ارتکاب جرائم بازداشت.» (رحیمی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۸)

و اما در خصوص فرد مجرم اشاره به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که، «در بینش نظام‌های حقوق کهن، بزه (مجرم) همواره در آیینی افعال خویش شناخته می‌شد. زیرا، پیشینیان جرم را پدیده‌ای زیان‌آور و ناشی از افعال مادی صرف به شمار می‌آوردند و مسئولیت را متوجه کسی می‌دانستند که از فعل او بیانی، دیگری می‌رسید، تفاوتی نمی‌کرد که این فعل از انسان یا حیوان یا نبات و حتی اشیاء بی‌جان صادر می‌شد. تنها تحقق جنبه‌ی موضوعی فعل و نتیجه‌ی خسارت بار آن مهم بود. از این رو، کودک و نوجوان به همان اندازه مسئول افعال خویش شمرده می‌شدند که پیر و کلان. جرم چه به عمد و چه به خطا به یک میزان مسئولیت داشت. علاوه بر آن، در حقوق قدیم، مسئولیت ناشی از جرم نه تنها بر فاعل مادی، بلکه بر خویشان و بستگان او نیز بار می‌شد. زیرا، فرد در جامعه‌های باستانی جزء جدایی ناپذیر اجتماع خود به شمار می‌آمد و به یک معنی شخصیت مستقل نداشت. به این ترتیب، مسئولیت جمعی در قبال جرم از سهم بزه‌کار به جبران عمل خود تا حدود بسیار می‌کاست و او را به عنوان عامل انسانی و موضوع عدالت کیفری گمنام رها می‌ساخت.» (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۱۷)

در مورد مسئول شناختن مجرم و مجازات وی باید در نظر داشت که، «جامعه به همین دلیل حقوق افراد را مشخص می‌سازد و تخطی از آن‌ها را جایز نمی‌شمارد و برای این تخطی ضمانت اجراهای مختلفی در نظر می‌گیرد که چنانچه این تجاوز در حد جرم باشد - همان‌گونه که اشاره شد - این ضمانت اجرا به شکل مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی آشکار می‌گردد.» (نوربها، ۱۳۹۰: ۵) اصول و مبانی جرم‌انگاری تمام جرایم، نیزمحتاج تبیین و بررسی جرم و ویژگی‌ها، ماهیت و حدود مترتب بر آن است. به بیان دیگر، یا به عبارت دیگر، جرم‌انگاری هر جرمی ذاتاً و ابتداءً و حسب مورد، درخصوص هر یک از عناوین ملاک نظر یک مقنن، در وهله‌ی اول مُعَلَّق به

تلفیق بایسته‌های حقوق جزای عمومی و حقوق جزای اختصاصی است. ناگفته پیداست که، در تعریف جرم، هر فعل یا ترک فعل و رفتاری را که قانونگذار بر آن مجازاتی در اقسام و انواع ملاک نظر بار و بر آن ضمانت اجرایی برای مجرم مترتب می‌داند، وصف جرم داشته و نتیجه‌ی جرم انگاری و نگارش آن در قانون است. این تعریف در منظر عرف و شرع، ماحصل تفکر خاص است. جرم انگاری اغلب جرایم در کنار هر عنوان، وصف خاصی را متبادر بوده لکن در کلیت امر، استنباط از نظر مقتن، متأثر از توجه به قواعد خاصی در جرم انگاری و جرم دانستن افعال بوده و در حقوق کیفری ایران، این فرض اجتناب ناپذیر، مُنصرف بر عمومات شرع مقدس اسلام و فقه حاصل از آن است. جرم‌انگاری و جرم دانستن افعال را فرآیندی دانسته‌اند که به موجب آن قانونگذار با در نظر گرفتن رفتارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر اصول و مبانی نظری مورد قبول خود و طبعاً متأثر و برگرفته از نظام عبادتی مشخص، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری و مجازات وضع می‌کند. بر این اساس، جرم‌انگاری امری پسینی و مبتنی بر علوم زیر ساختی همچون فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی، علوم اجتماعی است. لذا مبنا و انتقاء جرم انگاری و جرم دانستن رفتارها و افعال و ترک افعال هم‌پایه با اصول اخلاق، حق، عدالت و قدرت و نهایتاً آزادی بوده و اهداف ناشی از آن، نادیده گرفتن دولت از رفتارها و افعال و ترک افعال‌های مغایر هنجارهای مسلم اجتماعی است. مبانی نظریات وصف جرم انگاری، بنا به دیدگاه‌های عدیده‌ی مؤثر بر آن، در تقابل با اندیشه و نظریه سیاست جنائی، به پالاش کشیده شده و نوعاً مواخذه می‌گردد. چرا که بر خلاف افکار و اندیشه‌های رایج، در جرم دانستن (جرم‌انگاری)، عملاً، ملاحظه و ملاک نظر بر ایجاب سیاست کیفری و وجوب و امر بر اعمال کیفر و مجازات بوده و متأثر از مؤلفه‌های اساسی سیاست جنائی که واجد مقدمات و نهایتاً موخرات و نتایج خاص است، بوده نیست. لذا در این تحقیق و مختصر برآنیم تا ضمن تبیین اندیشه‌های حاکم بر جرم‌انگاری جرایم ادبی و نتیجه‌ی منبعت از آن (یعنی کیفر)، نوعاً امکان تقابل یا تعامل آن با سیاست جنائی ملاک نظر قرار گرفته و سیاست جنائی مقبول که مؤثر بر جرم‌انگاری جرایم ادبی باشد ارائه شود، چرا که اعتقادمان بر این است که حوزه وسیع سیاست جنائی معقول و منطبق با جایگاه و ساختار یک اجتماع، خود می‌تواند نظم مقرر و دیدگاه متصور و ملاک نظر قانون‌گذار را در جرم انگاری تغییر دهد. در این میان جرایم ادبی هم، که همواره مورد توجه جهانیان قرار گرفته و از دیرباز نیز در کشور ما به عنوان یک مسئله

مهم و غیرقابل انکار مطرح شده، این روزها و با ایجاد و توسعه فضاهای مجازی در قالب‌های مختلف بالآخر سرقت ادبی تجلی یافته تا اهمیت توجه به صاحبان فکر و اندیشه را بار دیگر به خاطرمان بیاورد. اما در این میان بر اساس شواهد و مدارک موجود گویا قربانیان جرایم ادبی نیز با سرسری گرفتن این مسأله و اعلام نکردن چنین جرم‌هایی به مراجع قضایی و قانونی به نوعی مقصر بوده و حق گرفتنی خود را دادنی تصور می‌کنند. باید اشاره کرد که در قانون بند و ماده‌ای وجود دارد که بنا بر آن در صورت بروز یک سرقت ادبی خالق اثر می‌تواند با هدف احقاق حقوق خود به مراجع قضایی رجوع کند. ه. ه. شکایت کند اما به دلیل مأخوذ به حیا بودن و روند طولانی پیگیری شکایات، هیچ نویسنده و شاعری شکایت نمی‌کند. در نهایت با توجه به اهمیت این موضوع و رواج آن؛ محقق به بررسی مبانی جرایم ادبی در حقوق کیفری ایران پرداخته است و با ذکر مسأله اصلی تحقیق، پژوهش خود را آغاز کرده است.